

ضدیت با غرب و اسرائیل، تغییر جهت داد (Rakel, 2007: 161).

این دولت به‌منظور تنش‌زدایی اقدام‌های مؤثری انجام نداده است و در عمل سیاست «نگاه به شرق» را برای پیشبرد اهداف خود در پیش گرفت. نتیجه چنین سیاست‌هایی این بوده است که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع داده شد و چندین قطعنامه و تحریم‌های گسترده یک‌جانبه و چندجانبه از طرف برخی کشورها علیه ایران اعمال شد. این شرایط نه تنها محدودیت‌های سیاسی برای ایران به‌دنبال داشته؛ بلکه هزینه‌هایی را هم بر دوش اقتصاد کشور گذاشته است (افضلی و کیانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۸). به‌طورکلی، این دولت منطق تجاری و توزیعی را ملاک عمل خودش قرارداد و با احیای گفتمان سیاسی سال‌های اول انقلاب و امنیت‌محوری که ضدیت با غرب را به‌دنبال داشت، نتوانست با رویکرد تولیدی و انباشت سرمایه به صنعتی شدن و توسعه بپردازد. این جریان به ساختارهای اقتصاد _ اجتماعی؛ از بُعد نابرابری، فقر و بی‌عدالتی توجه داشت و انگیزه آنها برای تغییر ساختارهای اقتصادی کشور به سمت نیروهای مولد نبود (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۴۹-۳۵۰).

۲-۴. دولت اعتدال

با تداوم تحریم‌های هسته‌ای که علیه ایران وجود داشت، سرانجام در انتخابات سال ۱۳۹۲ روحانی به قدرت رسید. او سعی کرده است سیاستی شبیه به سیاست خاتمی و هاشمی را دنبال کند (Yegin, 2014: 5). دولت اعتدال معتقد است که با دیپلماسی و رویکرد چندجانبه و تعامل‌گرا می‌توان مشکلات کشور را حل کرد. این دولت، سیاست‌های تهاجمی و تنش‌زای دولت قبلی را عامل اصلی مشکلات کشور و همراهی اروپا با آمریکا می‌داند. بر این اساس دولت اعتدال تلاش کرد تا اروپا را از آمریکا دور نگه دارد تا از یک‌سو، روابط اقتصادی ایران را متنوع سازد و از وابستگی به چین حفظ کند و از سوی دیگر با دور نگه داشتن اروپا از آمریکا، فشارها را بر ایران کاهش دهد. صلح‌طلبی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، توسعه‌گرایی، تعامل سازنده به‌عنوان مفاهیمی در نظر گرفته می‌شوند که رویکرد اعلامی دولت اعتدال را نسبت به سیاست خارجی نشان می‌دهد (دهقانی